

وقتي که جغد طلاق بر آستانه ي خانه اي نشست و غبار غربت و تنهائي فضاي غمگين آشيانه اي را در خود گرفت، جوجه هاي بي پناه و سرگردان در جستجوي پدر و مادر خویش پریر می زنند. گاه در دامن مادر می آویزند تا لانه را رها نکند و گاه پدر را صدا می زنند تا برای همیشه ترکشان نگوید، زیرا آنان هنوز در آستانه ي پروازند، هنوز دهان گرسنگی خود را برای غذای محبت والدین گشوده اند، هنوز گرمای تن مادر را می طلبند تا بال و پر بکشایند و در آسمان پاک و صاف خوشبختی اوج گیرند و زمزمه صدایشان دشت سرسبز زندگیشان را پراکنند، ولی اکنون این جغد طلاق است که بر سرشان فرود آمده و کابوس غربت و اندوه بر چشمان منتظرشان نشسته است. اینک پدر یا مادر کدامیک پرواز را تا انتها به آنان خواهند آموخت؟ کدامیک بال نوازش بر سر این جوجگان بی پناه خواهد گسترد؟ کدامیک فروغ محبت را به لانه ي تاریک هدایت خواهد کرد؟ و اینها پرسشهایی است که کودک در جستجوي پاسخ آنان است.

او قانون نمی داند، او تنها می خواهد به يك اندازه با هر دوتای پدر و مادر باشد و از رنج بی پدری یا بی مادری به يك میزان افسرده و نگران است.

فراموش نکنیم که طلاق يك فاجعه است اما اگر تنها راه حل موجود باشد وظیفه داریم اثرات مخرب آنرا به حداقل برسانیم. کودکان قربانیان بلافصل طلاق والدین خویشند. اگر نتوانستیم فضاي مطلوب و شادي بخش خانوادگی را برایشان فراهم کنیم دست کم باید بیاموزیم که چگونه آنها را از صدمات ناشی از طلاق تا حد امکان در امان داریم.

طلاق یکی از غامض ترین پدیده هاي اجتماعی عصر ما را از دیدگاه کسانی که بیش از همه آنها لطمه می بینند بررسی می کند. پدیده طلاق (راه حل) رایج و قانونی، عدم سازش زن و شوهر، فروریختن ساختمان خانواده، قطع پیوند زناشویی و اختلاف ارتباط پدر و مادر با فرزند، توجه اصلی به پیامدهای طلاق و اثرات روحی، عاطفی، اجتماعی و اقتصادی آن بر فرزند است و در کنار آن به علل و موجبات طلاق اشاره ي کوتاهی کرده، سابقه ي طلاق به ۲۰ قرن می رسد. مذاهب عمده همانگونه که در زمینه ي ازدواج و روابط زن و مرد رهنمودها و معیارهایی مقرر کرده اند به امکان قطع این رابطه و نحوه ي آن نیز پرداخته اند اما فقط در چند دهه ي اخیر است که طلاق به عنوان يك مسأله ي جدی اجتماع مطرح است.